



انترناسیونال

۱۵۷

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۲۴ شهریور ۱۳۸۵، ۱۵ سپتامبر ۲۰۰۶

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سرمدیر: محسن ابراهیمی



من آزادی را دوست دارم! کمک کنید تا این آخرین نامه من نباشد! دلم میخواهم پدر و مادرم را بغل کنم!

نامه کبرا رحمانپور به مردم

نجاتم دهید! من از مرگ و طناب دار وحشت دارم

صفحه ۸

گفتگو با آذر ماجدی، رئیس سازمان آزادی زن به مناسبت سومین کنفرانس سالانه سازمان آزادی زن



آذر ماجدی

کردند. بر این مساله تاکید شد که
نشریه آزادی زن باید بر فعالین جنبش

صفحه ۳

من طی گزارش ضمن برشمردن
دستاوردها و پیشروی های سازمان
آزادی زن عمدتا بر کمبودها تمرکز
کردم. مشکلات و موانع پیشروی را
برشمردم و در مورد راه های رفع
موانع صحبت کردم. اعضای شورای
مرکزی فعالانه در بحث گزارش
شرکت کردند و درافزوده های مهمی
در جهت رفع موانع پیشروی در بحث
جمعی مطرح شد.

کلیه اعضا در مورد نشریه آزادی
زن و روش های بهبود نشریه صحبت

انترناسیونال: آذر ماجدی، سومین
کنفرانس سالانه سازمان آزادی هفته
گذشته برگزار شد. موضوعات
محوری این کنفرانس چه ها بودند؟
آذر ماجدی: کنفرانس در دو روز برگزار
شد. روز اول با شرکت اعضای
سازمان و شورای مرکزی برگزار شد.
روز دوم برای عموم آزاد بود. روز اول
کنفرانس با گزارش رئیس سازمان
آغاز شد، سپس در مورد نشریه
آزادی زن، مساله مالی و پلاتفرم
صحبت کردیم.



مینا احدی

با روی کار آمدن حکومت
اسلامی، نسل جوانی که در آن مقطع
جنگیده و برای آزادی و رفاه و برابری
مبارزه کرده بود، از همان روز اول در
مقابل حکومتی قرار گرفت که نه
تنها به خواستهای این نسل پاسخ
نمیداد، بلکه میخواست جامعه را به
قرون وسطی برگرداند. بویژه و بیش از
همه این حکومت تعرض به حقوق و
انسانیت زنان را در دستور گذاشت. از

صفحه ۲

اعلام کمپین جمع آوری يك ميليون
امضا با بیانیه ای اولیه و "توضیح
المسائل" های حاشیه ای آن،
موضوعی است که باید به آن
پرداخت، نه بدلیل اهمیت چهر های
شاخص این حرکت و یا حتی نحوه
کاری که کمپین پیشنهاد میکند،
بلکه دقیقا به دلیل انگشت گذاشتن
کمپین روی یکی از مهمترین و
حساسترین مسائل در ایران: مسئله
زنان، قوانین اسلامی و حکومت
اسلامی و نحوه مقابله با این یختاک.
واقعیت اینست که به قدمت عمر
جمهوری اسلامی ایران در مورد
راهها و نحوه مقابله و مبارزه با
حکومت اسلامی و راه پایان دادن به
مشقات زنان در کشوری همچون
ایران که در آن زنان نیمه انسان
محسوب شده و رسما و علنا و قانونا
از همه حقوق انسانی خود محروم شده
اند، اختلاف نظر و جدل وجود دارد.

در باره سفر احمدی نژاد به ونزوئلا و کوبا

صفحه ۴

علیه حضور احمدی نژاد در سازمان ملل؛ متحدانه اعتراض کنیم!

صفحه ۴

گفتگوی رادیو شراره ها با مادر و پدر

کبری رحمانپور و مینا احدی

صفحه ۶

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ جنبش برابری طلبانه زنان ...

همان روز اول که خمینی جلا فرمان داد یا روسری یا تو سری، جنگ و نبرد آغاز شد. میتینگهای گسترده خیابانی، اعتراضات روزمره در محیط های کار و تحویل يك نه بزرگ به سران و سردمداران حکومت زن ستیز اسلامی پاسخ مردم معترض بود. حکومت با زنجیر و چاقو و عریه کشی فالانژها و بتدریج با دستگیری و اسیدپاشیدن و پونز زدن به سر زنان و سپس با اعدامهای گسترده، توانست سر پا بایستد و از این قوانین و مقررات ارتجاعی دفاع کند. امروز با گذشت بیست و هفت سال از آن مقطع، در ایران جنبشی اجتماعی، عمیق و رادیکال علیه حکومت زن ستیز اسلامی در جریان است که تجارب و پیشرویهای جدی داشته و میتواند در ایران و منطقه خاورمیانه بسیار موثر باشد.

نسل جوان در ایران، که تجربه شکست انقلاب و همچنین تجربه و تعلق خاطری به گرایشات عقب مانده و شرق زده نیز ندارد، به یکباره و با تمام قامت خود، امروز در مقابل این قوانین ایستاده و سهم خود را از زندگی میخواهد. با این حساب باید تاکید کنم که در ایران يك جنبش گسترده و اجتماعی و عمیق و همه گیر بر علیه قوانین و سنتهای اسلامی و بر علیه حکومت فاشیست اسلامی مواجه در جریان است.

وجود این جنبش موقعیت زنان در ایران و "حساسیت" مسئله زنان در ایران را ده چندان کرده است. بدلیل مقاومت و "نه" گفتن در ابعاد میلیونی به فرهنگ و سنت و اخلاقیات و بطریق اولی قوانین ضد زن اسلامی است که امروز کسانی از جنبش ملی اسلامی که در فردای فرمان خمینی، نه فقط حرفی نمیزند، بلکه عملاً در آن صف بوده و از "بهبود وضع زنان در خانواده های سنتی بدلیل اجباری شدن حجاب" حرف میزدند امروز میخواهند در نقش اپوزیسیون مجاز این جنبش را مهار کنند. کسانی همچون مهرانگیز کار، شیرین عبادی و امثالهم امروز بعد از تجارب بسیار تلخ سیاسی و یا حتی شخصی با حکومت اسلامی "فعال جنبش زنان" شده و برای اصلاح رژیم فعالیت میکنند. همگی شاهد این طیف و صفشان در پشت سر خاتمی بودیم.

من و جریان ما همواره این طرف خط ایستاده و از نسل قدیمی هستیم

که با حکومت شاه جنگیده و از همان روز اول روی کار آمدن تروریستهای اسلامی در ایران، به آنها لقب ارتجاعی داده و جنگ و نبردی دائمی را با این حکومت ضد انسان را آغاز کردیم. ما در طول بیست و هفت سال گذشته همواره با گرایشی روبرو بوده ایم که برای توضیح ریشه ستمکشی زنان و علت موقعیت دست چنم زنان به اسلام خوش خیم پناه میبرد. جللهای نظری و فکری و چالشهای معینی را با آنها داشته و به امروز رسیده ایم. این گرایش بخشی از گرایش ملی اسلامی، گرایش طرفدار اصلاح رژیم و خواهان کمی تعدیل در اوضاع، گرایش کماکان مذهبی و اسلامی با تفسیر بهتر از اسلام، گرایش سد کننده رادیکالیسم جنبش زنان، گرایش شرق زده عقب مانده و آوانس دهنده به اسلام سیاسی بود.

کمپین يك میلیون امضا و چهره های شاخص آن، عمدتاً از این گرایش هستند. افرادی که بدلیل نزدیکی به بارگاه در عین حال از امکانات معینی نیز برخوردار بوده و در سطح جامعه از امکاناتی برخوردار هستند. اینها که تاریخ "رشادتهایشان" در جنبش برای آزادی و برابری زنان، باید در يك فرصت معین، در همه جزییات بررسی و نقد شود، امروز بدلیل زلزله ای که در جامعه در جریان است، بدلیل وجود يك جنبش رادیکال و برابری طلب و سرنوشتی طلب و بدلیل اعمال فشار از درون خودشان فراخوان کمپینی را داده اند. نباید با بی اعتنائی از کنار این کمپین رد شد و نباید فعالین مدافع حقوق زن و نیروهایی را که در این کمپین فعالیت میکنند و نگرش و خط شیرین عبادیها و نوشین احمدی خراسانیها و شهلا شرکتهای را قبول ندارند، تنها گذاشت.

در مورد این کمپین باید بگویم که در بیانیه اولیه آن، متن کوتاه و فشرده ای را می بینیم که در آن به برخی از قوانین ضد زن اشاره شده و در پایان خواهان تغییراتی در این قوانین شده اند. متنی که نشان میدهد، با دقت کامل تهیه شد است. آوانسی به مذهب و اسلام نداده است. خود متن اولیه يك تناسب قوا را نشان میدهد. این نشانه ای از پیشروی جنبش برای آزادی و برابری زنان در ایران است و حاکی از چرخش تناسب قوا به نفع این جنبش است.

اما بعد از اعلام علنی این متن،

به یکباره، از سایت کمپین، مطالب و مصاحبه ها و توضیحاتی در معرفی بیشتر کمپین مزبور به بیرون ریخته میشود که در يك کلام تهوع آور است. ما در اینجا با قامت کامل فعالین جنبشی روبرو میشویم که بیش از آنکه از آخوند و ملا و از حجاب و قران و قوانین مسخره و ضد زن اسلامی متنفر باشند، از رادیکال شدن و زیر و رو شدن کلیت بساط ضد زن اسلامی وحشت دارند. نمونه کامل این نگرش را شیرین عبادی، مهره سوخته دولتهای غربی برای نجات رژیم نمایندگی میکند. به این موضوع مفصلتر خواهم پرداخت.

اما در روزهای اخیر، از ایران، اخباری دریافت کرده ایم که امیدوار کننده است. در گرگان و سمنان و اصفهان و سنجند و بانه و سقز و تهران و... در مورد این کمپین صحبت میشود و تلاشهایی در جریان است. جلسات و ملاقاتهایی انجام گرفته و میگیرد تا این کمپین را تقویت کنند و در عین حال در مورد این کمپین موضعگیری کنند و کار برای گفتگوی رو در رو و بررسی اوضاع و موقعیت زنان شروع شده است.

گزارش کار گروهی که در گرگان در دفاع از این کمپین صحبت کرده بودند، جالب بود. فعال حرکت مزبور گفته بود: "همیشه بدلیل جنسیت خودم، از بسیاری از حقوق محروم بوده ام و همواره به این ستم معترض بوده ام. ما در جایی زندگی میکنیم که زنان نه با امضا طومار بلکه با به آتش کشیدن خودشان و خود سوزی، اعتراض خود را نشان میدهند. در اینجا ظلم و ستم بیداد میکند و باید در این مورد حرف زد و کاری کرد." و من ادامه میدهم که نه فقط باید کاری کرد، بلکه همواره باید حرف خود را زد، همواره باید از تغییرات اساسی و ریشه ای دفاع کرد و همواره باید علیه شرایطی بایستیم که زنان بیش از این قربانی نشوند و خود سوزی نکنند و...

مسئله زنان در ایران حساس و حاد است و هر حرکتی و هر کمپینی در مورد این مسئله به ما مربوط است. به ما فعالین جنبش برابری طلبانه زنان، به ما منتقدین سرسخت حکومت و قوانین و سنتهای ضد زن اسلامی، به ما زنانی که همواره از این ستم رنج برده و بر علیه آن جنگیده ایم. بنابر این سوال اینست که در مورد کمپین يك میلیون امضا فعالین جنبش برابری طلبانه زنان چه میگویند. آیا باید بر علیه این حرکت

ایستاد، چرا؟ آیا باید به تمام معنی از آن دفاع کرد و از تمام حاشیه نویسی های اطراف آن گذشت؟ موضع ما در مقابل این حرکت چیست؟ اینها سوالاتی است که باید با دقت جواب بگیرد. من به سهم خود تلاش میکنم این سولات را جواب بدهم.

ما نباید به این کمپین پشت کرده و آنرا نادیده بگیریم. ما نباید بر علیه بیانیه اولیه کمپین باشیم. ما باید برای جمع آوری يك میلیون امضا بر اساس آن بیانیه اولیه و از این طریق اعمال فشار به حکومت اسلامی تلاش کنیم. مهمتر از آن ما نباید در مباحثات داغ بعد از اعلام این کمپین، در بررسی علل ستمکشی زنان و معضل زنان در ایران و راه مبارزه با آن، در ابعادی اجتماعی و امکاناتی که این کمپین ایجاد میکند، حضور نداشته باشیم. ما بویژه نباید میدان را برای تعداد دیگری خالی بگذاریم که میخواهند جنبش برابری طلبانه زنان را مسخ کنند.

واقعیت اینست که در مقابل ظلم و ستم و بی حقوقی و سرکوب و استثمار همواره و در همه جای دنیا اعتراض و مبارزه وجود داشته و دارد. اما در ایران و در مقابل ضد انقلاب اسلامی که بر پایه شکست يك انقلاب روی کار آمده يك جنبش مدرن و انسانی ایستاده است. هر کمبودی که فعالین و سازمانهای این جنبش با خود حمل کرده اند، يك امر واضح و غیر قابل انکار است که فعالین و رهبران این جنبش امروز خود را به يك جنبش جهانی و مدرن وصل کرده اند. به دخالت مذهب و اسلام در زندگی خودشان تف میکنند، به همه قوانین ضد زن اسلامی از ازدواج اجباری گرفته تا حجاب و تا نداشتن حق طلاق و یا حق رابطه جنسی آزاد و آپارتاید جنسی و... معترض است. خواهان تغییرات عمیق و ریشه ای در زندگی خود بوده و هست. این امر پاشنه آشیل رژیم اسلامی است. ما در ایران با يك جنبش اجتماعی و يك فرهنگ دیگر غیر از فرهنگ آخوند و اسلام و عقب ماندگی روبرو هستیم. بویژه نسل جوان بسیار متجدد تر، رادیکالتر، غربی تر و متعرض تر از نسل قبل است.

این پایه وجودی مطرح شدن و درخشیدن جنبش زنان در ایران، پایه وجودی امکان ابراز وجود اجتماعی فعالین مدافع حقوق زن است. جنبشی که بر پایه این تحرک

اجتماعی مدرن و امروزی به جلو آمده است و فعالین جنبش ملی اسلامی چشم دین آنرا ندارند، يك تصویر واقعی از جنبش زنان در ایران است. این جنبش سیر بالندگی خود را طی میکند. این آن جنبشی است که جریانات و فعالین جنبش ملی اسلامی آنرا فاکتور می گیرند و همیشه با تبختر و تفرعن با آن برخورد کرده اند. جنبشی که میلیونها زن را نمایندگی میکند. میلیونها زنی که به حجاب، به آخوند و کپک زدگی فرهنگ شرق زده، به قوانین ضد زن اسلامی و به هر چه رنگ و بوی عقب مانده و قرون وسطایی دارد، تف میکنند.

امثال شیرین عبادی، نیره توحیدی و اعوان و انصار حزب توده و اکثریت، زنان را رعیت خود دانسته و از بی فرهنگی و کم فرهنگی و بیسوادی زنان کد و مثال آورده و راه حل را در "آموزش" دادن به زنان جستجو میکنند. اما آموزش دهنده، خود در مکتب آخوند و مذهب و جریان ملی اسلامی آموزش دیده و میخواهد کنار آمدن با آخوند و اسلام خوش خیم و آموزش اسلامی و شرق زدگی را به زنان تقدیم کند. ما در مقابل آن تا همین امروز ایستاده ایم.

جنبش برابری طلب و رادیکال در ایران، در مورد ریشه ستمکشی زن و علت وضعیت وحشتناک امروز در ایران پاسخیهای دقیق و واقعی داده و در مورد همه جزییات ستم بر زن در ایران با دقت و موشکافی تمام حرف زده است. نه فقط این، بلکه در عرصه های مختلف، مثلاً حجاب اسلامی، حجاب کودکان، سنگسار و اعدام، دخالت مذهب در سسکس و زندگی و روابط جنسی زنان، تابوهای مختلف و عقب ماندگیها و ناموس پرستی و آپارتاید جنسی و... با جمهوری اسلامی ایران و همچنین با گرایش ملی اسلامی بطور کلی و انواع عقب مانده جنگیده و آنها را در این عرصه ها به عقب رانده است. به یمن این جنبش و این مبارزات و این پاسخیهای نظری و عملی است که جنبش برابری طلبانه زنان در ایران امروز بسیار جلو آمده و حتی فعالین ملی اسلامی را نیز وادار کرده است که بسیار با احتیاط سخن بگیرند و حتی از فرهنگ لغات دیگری استفاده کنند. توده زنان در ایران به دفاع اینها از اسلام و آخوند و عقب ماندگی، با دید تمسخر نگاه میکنند. اعلام تزهاری نخ نمای قدیمی،

از صفحه ۱ گفتگو با آذر ماجدی

آزادی زن متمرکز شود و تلاش کند فعالین و رهبران عملی این جنبش را حول سازمان گرد آورد.

در بحث پیرامون پلاتفرم عرصه ها و اولویت های اصلی فعالیت برشمرده شد. بر پروژه های مختلف تاکید شد. تلاش برای تبدیل سازمان آزادی زن به سخنگوی جنبش آزادی زن نقطه محوری پلاتفرم بود.

روز دوم به سخنرانی های اعضای شورای مرکزی در مورد تم های مختلف اختصاص داشت. ابتدا پروین کابلی، دبیر اجرایی سازمان گزارشی از فعالیت های سازمان در سال گذشته به حضار ارائه داد؛ سخنرانی من در مورد جایگاه جنبش آزادی زن در جامعه و مبارزه عمومی علیه نظام حاکم و در مقابله با اسلام سیاسی و نقش سازمان آزادی زن در این جنبش بود؛ مریم کوشا در مورد مبارزه علیه آپارتاید جنسی در عرصه بین المللی و کمیته های همبستگی علیه آپارتاید جنسی صحبت کرد؛ شهلا نوری پیرامون بیماری ایدز و زنانه شدن این بیماری در ایران سخنرانی کرد؛ اسماعیل مولودی در مورد قانون کار و موقیت زنان و کودکان و بی حقوقی زنان در این عرصه صحبت کرد؛ تم سخنرانی شهلا خباززاده فاجعه تبعیض جنسی در پس فجایع طبیعی، از قبیل سیل، زلزله و سونامی بود؛ نسرین رمضانعلی در مورد رادیکالیسم جنبش آزادی زن و نقش سازمان آزادی زن در این جنبش صحبت کرد؛ مهین علیپور در مورد نقش مذهب و موقعیت زنان سخنرانی کرد؛ غریبه حسینی مختصراً در مورد جنبش آزادی زن در ایران و رابطه آن با سازمان آزادی زن صحبت کرد؛ بالاخره علی جوادی در مورد جنبش آزادی زن و موانع سازمانیابی این جنبش و روش های سازمانیابی رهبران عملی و فعالین این جنبش سخنرانی کرد.

در فواصل سخنرانی ها پیام های مختلف به کنفرانس خوانده شد از جمله پیام کانون دفاع از حقوق زنان سندانج، حمید تقوایی، اصغر کریمی، سازمان جوانان کمونیست، جوانان آزادیخواه سندانج، هما ارجمند و غیره. کنفرانس سه پیام به زنان و مردان آزادیخواه، به کمپین یک میلیون

امضاء برای رفع تبعیض و به طبقه کارگر داد.

انترناسیونال: در اطلاعیه پایانی کنفرانس اعلام شده است که سازمان آزادی زن در عرصه بین المللی در نزد بسیاری از نهادها و رسانه ها بعنوان يك نهاد معتبر و بعنوان سخنگوی جنبش رادیکال دفاع از حقوق زن، سکولاریسم و علیه اسلام سیاسی شناخته شده است. لطفاً در این مورد بیشتر توضیح دهید.

آذر ماجدی: در چند سال اخیر سازمان آزادی زن کمپین ها و پروژه های متعددی را در دفاع از حقوق زنان، علیه آپارتاید جنسی و حجاب اسلامی، علیه قتل های ناموسی، دفاع از سکولاریسم، علیه اسلام سیاسی، در دفاع از حقوق همجنسگرایان و در مبارزه با اعدام به پیش برده است. ما در دفاع از قوانین سکولار در فرانسه و علیه حجاب کودک کمپین گسترده ای را به پیش بردیم و به این ترتیب نام سازمان آزادی زن در میان سازمان های سکولار، چپ و مدافع حقوق زن در فرانسه نامی شناخته شده است. چهره های سازمان در سوئد چهره هایی سرشناس هستند که در مبارزه با قتل های ناموسی، علیه حجاب کودک و مدارس مذهبی فعالیت های گسترده و موفقی را به پیش برده اند. سازمان آزادی زن از نزدیک و فعالانه با کمپین علیه دادگاه های شریعه همکاری کرد. مبارزه برای نجات کبری رحمانپور، حاجیه اسماعیل وند، شهلا جاهد، افسانه نوروزی و نازنین از کمپین های بین المللی دیگر ما بود. برگزاری چندین کنفرانس بین المللی علیه اسلام سیاسی و قتل های ناموسی از جمله فعالیت های دیگر سازمان بود. دعوت از رهبری سازمان برای شرکت در کنفرانس ها و میزگردها حول مسائل فوق، یا از رسانه های مختلف برای مصاحبه اکنون يك وجه روتین فعالیت سازمان است.

انترناسیونال: همچنین در همین اطلاعیه گفته شده است که علیرغم این دستاورد ها سازمان آزادی زن از هدف و افق اولیه خود بسیار فاصله دارد. این هدف اولیه چیست؟ چرا سازمان آزادی زن از این هدف اولیه

بسیار فاصله دارد؟ موانع چه ها بوده اند؟

آذر ماجدی: هدف سازمان تبدیل شدن به سخنگوی جنبش آزادی زن و تثبیت رهبری سازمان بر این جنبش است. ما از این هدف و افق هنوز فاصله داریم. پلاتفرم یکبار دیگر بطور صریح و روشن بر این هدف تاکید گذاشت. بنظر من يك مشکل اصلی مساله کادر و عدم تمرکز و انسجام رهبری در این جهت بوده است. سازمان آزادی زن دارای کادرهای بسیار مجرب و قابل و با سابقه ای است. اما این افراد در فعالیت های مختلفی درگیر هستند، لذا تمرکز لازم بر فعالیت سازمان آزادی زن نداشته اند. ما در کنفرانس تاکید کردیم که با تمرکز بسیار بیشتر به فعالیت های سازمان خواهیم پرداخت. اختصاص نیروی کافی به هر عرصه مساله دیگر بود. افزایش انسجام بیشتر رهبری و ایجاد هماهنگی بیشتر میان عرصه ها و پروژه های مختلف فعالیت نقاط مهم دیگر مورد توافق بود.

انترناسیونال: در اطلاعیه پایانی از پلاتفرم جدید صحبت شده است که در کنفرانس تصویب شد. چه ضرورتی برای ارائه پلاتفرم جدید وجود داشت و چه چیزهایی در این پلاتفرم جدید هستند؟

آذر ماجدی: هدف از ارائه پلاتفرم تاکید بر عرصه های مختلف فعالیت، تعیین اولویت ها برای رسیدن به هدف اصلی و تحقق افق سازمان است. گسترش ساختار سازمانی در ایران، گرد آوردن فعالین و رهبران عملی جنبش آزادی زن در سازمان از اولویت های مورد اشاره پلاتفرم است. باین منظور کمیته سازمانی متشکل از علی جوادی، نسرین رمضانعلی و شراره نوری به مسئولیت نسرین رمضانعلی تشکیل شد. شناساندن سازمان آزادی زن و اهداف و برنامه آن بطور وسیع و گسترده یکی دیگر از نکات محوری است. سازمان دادن تبلیغات سازمان بشکل گسترده و متمرکز برای این هدف و راه اندازی يك کمپین معین حول این مساله در دستور گذاشته شد. کمیته تبلیغات متشکل از علی جوادی، سهیلا شریفی، پروین کابلی، مریم کوشا و شهلا نوری به مسئولیت خود من و کمیته روابط عمومی متشکل از مریم کوشا و

برای نجات کبرا

سازمان آزادی زن و کمیته بین المللی علیه اعدام برای مقابله با اعدام کبرا رحمانپور، فراخوان تجمعات اعتراضی در روزهای ۲۲ و ۲۳ سپتامبر داده اند.

از همه مردم آزادیخواه، از مخالفین مجازات وحشیانه اعدام و از همه مخالفین جمهوری اسلامی میخواهیم هر چه گسترده تر در این تجمعات شرکت کنند. کبرا باید از زندان و اعدام نجات پیدا کند. دوستان و آشنایان را، همکار و معلم و هم کلاسی خود را، خبر کنید و هر چه وسعت در این تجمعات شرکت کنید. برای اطلاع از زمان و مکان این تجمعات میتواند به سایت های این نهادها و یا سایت روزنه مراجعه کنید.

www.azadizan.com

www.adpi.net

www.rowzane.com

کمکهای مالی به حزب

محمد کریمی، آلمان ۱۴۰ یورو

علی بوستون، آمریکا ۱۰۰ دلار کانادا

شهلا نوری به مسئولیت شهلا نوری سازمان داده شد. همچنین گسترش برنامه های تلویزیونی سازمان، روتین کردن نشریه و اطلاعیه های سازمان برای پیشبرد این هدف در دستور گذاشته شد. سازماندهی جنبش همبستگی بین المللی با جنبش آزادی زن و ایجاد کمیته های ضد آپارتاید يك پروژه مهم است که به مسئولیت مریم کوشا به پیش خواهد رفت. تامین منابع مالی برای این فعالیت های گسترده عرصه دیگر مورد تاکید بود، به این منظور کمیته ای متشکل از غریبه حسینی، مهین علیپور، پروین کابلی و شهلا نوری تشکیل شد. سازماندهی گسترده تر در خارج کشور و گرد آوردن فعالین این عرصه در جمع های آزادی زن نیز يك مساله مهم دیگر است. مهین علیپور مسئولیت کشور سوئد و شهلا خباززاده مسئولیت آلمان را عهده دار شدند. کشورهای دیگر بزودی مسئولینشان اعلام خواهند شد. يك نقطه اصلی مورد تمرکز سازمان نسل جوان است. در ایران شکاف نسلی نقش بسیار مهمی در جنبش اجتماعی - سیاسی اعتراضی بازی میکند. این مساله را در جنبش آزادی زن نیز شاهدیم. سازمان آزادی زن بروشنی خواستها، آرمان ها و مدرنیسم این نسل را

نماینده می کند. تلاش برای جلب هر چه گسترده این نسل به سازمان آزادی زن یکی از اهداف دیگری است که در پلاتفرم مورد توجه قرار گرفت. سازمان آزادی زن به کادرهای بسیار بیشتری نیازمند است. افزایش شورای رهبری سازمان باین منظور در دستور گذاشته شد. آرایش رهبری نیز تغییر کرد. اکنون يك هیات اجرایی انتخاب کرده ایم متشکل از اعضای کمیته های مختلف که بطور فشرده، روتین و متمرکز بر پیشبرد پروژه ها نظارت خواهد کرد. سازماندهی کنفرانس ها، میتینگ ها و آکسیون های مختلف برای هشت مارس از سنت های پایدار ماست. این فعالیت هم با تمرکز و آمادگی بیشتری از این پس پیگیری خواهد شد. پروژه های سازمان بزودی به عموم اعلام خواهد شد. در حال حاضر مهمترین کمپین ما راه اندازی يك کمپین وسیع بین المللی علیه آپارتاید جنسی است. پیگیری کمپین در دفاع از حقوق همجنسگرایان به مسئولیت مهین علیپور، علیه قتل ناموسی و اسلام سیاسی نیز از کمپین های جاری است. اسناد کنفرانس در شماره آتی آزادی زن بچاپ خواهد رسید. سخنرانی های کنفرانس نیز از برنامه برای آزادی زن، برنامه تلویزیونی سازمان پخش خواهد شد.*

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

در باره سفر احمدی نژاد به ونزوئلا و کوبا

هوگو چاوز رئیس جمهور ونزوئلا از محمود احمدی نژاد برای دیدار از ونزوئلا دعوت کرده است. احمدی نژاد در سفر به آمریکا برای شرکت در نشست مجمع عمومی سازمان ملل قرار است از کوبا هم دیداری داشته باشد. حزب کمونیست کارگری دعوت از سران جنایتکار رژیم اسلامی را با هر توجیهی صورت گیرد شدیداً محکوم میکند.

یک سیاست اعلام شده حزب کمونیست کارگری تلاش برای انزوای سیاسی و دیپلماتیک رژیم اسلامی و اخراج نمایندگان رژیم از مجامع جهانی است. این رژیم نماینده مردم ایران نیست و تاکنون روی دوش سرکوب خونین کمونیست‌ها و آزادیخواهان و مخالفین سرپا مانده است. این رژیم نامشروع است و از نظر حزب کمونیست کارگری و مردم ایران، هر نوع مشروعیت دادن دولتهای غربی و نهادها و مجامع جهانی به این رژیم آدمکش محکوم است. ما تلاش میکنیم افکار عمومی مردم دنیا به همان چشمی به رژیم اسلامی نگاه کنند که به رژیم آپارتاید نژادی در آفریقای جنوبی نگاه میکردند.

اما دولت های کوبا و ونزوئلا نزدیکی با رژیم اسلامی را، از زاویه لفاظی های ضد آمریکائی جمهوری اسلامی معنائی سیاسی و جبهه ای میدهند. جبهه ای که بعنوان مثال حزب اله لبنان و حماس در فلسطین را هم در برمیگیرد. مستقل از ارتجاعی بودن، ضد کارگری و ضد سوسیالیستی بودن این تلقی و مستقل از تفاوت ماهیت دولتهای کوبا و ونزوئلا با رژیم اسلامی، باید به چاوز و کاسترو تصریح کرد که جریان اسلامی بدون حمایت دولت آمریکا و دول غربی سر کار نمی آمد و بدون حمایت آنها سر کار نمی ماند. این دولتی است که برای سرکوب خونین انقلاب آزادیخواهانه ۵۷ و زمانیکه حفظ حکومت شاه غیرممکن شد، به کمک دول غربی و در راس آن آمریکا به صحنه آورده شد و تا امروز با همین شیوه ها سرپا مانده است. احمدی نژاد مشخصاً یک تیر خلاص زن و یک چماقدار است که

از صفحه ۲ جنبش برابری طلبانه زنان ...

همچون "اسلام با حقوق زنان تناقضی ندارد" در توضیح المسائل خانم عبادی در مورد این کمپین، بیش از هر چیز يك تف سربالا است. در جامعه ای که اسلام و قوانین ضد زن اسلامی، تا همین امروز جان صدها نفر را در سراسر ایران قربانی سنگسار کرده، در جامعه ای که قوانین اسلامی هزاران زن را بدلیل عدم رعایت حجاب به زندان کشانده و طعم تلخ شلاق خوردن و تحقیر شدن را به آنها چشانده، در جامعه ای که نبود حق طلاق، زنان زیادی را به خودسوزی و خودکشی سوق داده، در این جامعه جرات میخواید خود را فعال جنبش زنان بنامید و این "حرفها" را تحویل مردم بدهید.

مردم منتظر از قوانین و فرهنگ اسلامی را نمیتوان يك بار دیگر پشت این و آن آخوند بسیج کرد. اینها سالها است که تاریخ مصرفشان تمام شده است. کسی که با اتکا به تفسیر "ملازم" آیات ۱۴۰۰ سال پیش و آخوندهای کپک زده امروزی میخواید به حقوق زنان جواب دهد اگر احمق نباشد شهادت است. نمیتوان جنبش مدرن امروز علیه همین سنتها و قوانین و آیت الله ها را مسخ کرد و يك بار دیگر یکی دیگر از همین عمامه به سران را بر مسند آن قرار داد. دوران این شهادی و خاک پاشیدن به چشم مردم به سر آمده است.

پس يك جنبه حیاتی دخالت ما در این کمپین، پاسخ دادن فوری و علنی و واضح به این توجیحات و توضیحات در پس جمع آوری امضا های مزبور است. فعال مدافع حقوق زن، میتوانند در صحنه حضور داشته و در جلسات زنان گرگان و تهران و

اصفهان و سنج حاضر بوده و با زنان درمورد معضلات صحبت کرده و در همانجا پاسخ عبادی و دیگران را نیز بدهد.

همه این توضیحات که بعد از اعلام علنی بیانیه اولیه روی سایت اینها رفت، باید پاسخ درخور بگیرند. فعال گرگانی مدافع حقوق زن که از روز اول از زن ستیزی حکومت متنفر بوده و به زنان در آستانه خودسوزی کمک میکند، باید واضح و روشن و علنی پاسخ شیرین عبادی و دیگرانی را بدهد که کماکان خود را قسیم زنان دانسته و برای آنها حجاب رنگی و یا حق حضانت تا ۷ سالگی فرزندان را از حکومت گدایی میکنند و اینرا از سر زنان "مسلمان" زیادی میداندند. جنبش برابری طلبانه زنان و فعالین آن، در مورد حجاب در مقابل اینها ایستاده و حجاب را سنبل حقارت زن اعلام کردند. فشار همین جنبش، فعالین ملی اسلامی و خانم عبادی را وادار کرده است که از حجاب اسلامی و اجباری گله کنند. قبلاً در تعریف و تمجید از حجاب قلم فرسایی میکردند. امروز ناچار شده اند طور دیگری حرف بزنند. جنبشی که اینها را از بارگاه دوم خرداد و جناب خاتمی بیرون کشیده و به اینجا آورده است. امروز هم باید در مقابل فروش متاع کهنه اینها در زیر لوی کمپینی در اعتراض به قوانین حاکم بایستند و فشار را از روی اینها برندارند.

من این گرایش را خوب می شناسم. گرایش شرق زده و مذهبی و رو به گذشته و مرد سالار، گرایشی که از سکولاریسم و مدرنیسم و تمدن و آزادی و برابری کامل می هراسد. گرایشی که زندگی در زیر عبا

آخوند را شایسته زنان متولد ایران میدانند. امروز با این کمپین، و سو استفاده از رادیکالیسم موجود علیه قوانین اسلامی میخواید جایگاه از دست رفته خود را باز یابد.

پاسخ من به این سوال که در مقابل این حرکت چه باید کرد اینست: جنبش برای هر درجه تغییر مثبت در زندگی زنان در ایران مدیون اعتراضات وسیع اجتماعی به قوانین ضد زن اسلامی و بر علیه حکومت اسلامی است. ما در این حرکت دخالت فعال میکنیم. ما این حرکت را ندیده نمیگیریم. ما باید در آن نه فقط حضور داشته باشیم، بلکه با پاسخ دادن به تزه های عقب مانده و "اسلامی" تعدادی از فعالین این کمپین، با زدن حرف دل خودمان و نقد خودمان و پاسخ خودمان کاری میکنیم که رادیکالیسم این حرکت را تقویت کنیم و به حرکتی بر علیه حکومت تبدیل کنیم. در دل این دخالتگری رو در رو، و در دل این نقد و پاسخ به چهره های شناخته شده جنبش ملی اسلامی است که ما میتوانیم فعالین رادیکال را متحد تر، متشکل تر و با اعتماد بنفس تر کنیم. فعال رادیکال جنبش برای آزادی زنان اگر در سطح اجتماعی پاسخ عبادی و نوشین احمدی را بدهد، میتواند جایگاه و نقش خود در بین مبارزات زنان را تثبیت کند. این اقدامات جنبش برابری طلبانه زنان را صاحب چهره های بیشتری کرده و بسیار قوی تر میکند. *



علیه حضور احمدی نژاد در سازمان ملل؛ متحدانه اعتراض کنیم!

تیر خلاص زن بوده است و امروز در مسئولیت ریاست جمهوری رژیم اسلامی، مسئول تمام جنایات رژیم است.

مردم آزادیخواه!

باید اعتراضی همه جانبه و گسترده را علیه حضور این جنایتکار در مجمع عمومی سازمان ملل متحد

سران رژیم اسلامی باید به جرم قتل عام بیش از صد هزار نفر از شهروندان ایران محاکمه شوند. احمدی نژاد مشخصاً بعنوان فرمانده

گروههای سرکوب و بعنوان مسئول اعدام سه زندانی سیاسی، حجت زمانی و اکبر محمدی و ولی فیض مهدوی و صدور دهها اعدام و سنگسار در سه ماه گذشته مورد پیگیری قرار گیرد. احمدی نژاد يك

محمود احمدی نژاد قرار است در نشست سالیانه مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک شرکت کند.

باید به حضور احمدی نژاد در نشست سازمان ملل اعتراض کرد. باید تلاش برای دستگیری و محاکمه احمدی نژاد وسیعاً شروع شود. احمدی نژاد و سران جمهوری اسلامی نماینده مردم ایران نیستند.

سرتکون یاد جمهوری اسلامی
آزادی، برابری، حکومت کارگری
زنده یاد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۳ شهریور ۱۳۸۵ - ۱۴ سپتامبر ۲۰۰۶

مبارزات کارگران اخراجی شرکت واحد ادامه دارد

به صندوق همبستگی مالی کارگران واحد کمک کنید

منطقه هشت :

۱- ابراهیم نوروزی گوهری ۲-
غلامرضا غلامحسینی ۳- جمیل
بهادری ۴- حسن کریمی
منطقه نه :

۱- جواد کفایتی ۲- مرتضی
کمساری
منطقه ده:

۱- ناصر غلامی ۲- رضا شهابی ۳
- نعمت امیرخانی ۴- عباس نژاد
کودکی ۵- فضل اله مظاهری
۶- اتوبوس برقی: حسن میرزایی

کارگران اخراجی واحد، از
اعضای هیئت مدیره و فعالین
سندیکای واحد هستند و اخراج آنها
به قصد در هم شکستن سندیکای
کارگران و به تسلیم کشاندن کارگران
واحد است. این سیاست را باید با
همبستگی کارگران از سراسر کشور
در هم شکست.

یک مشکل فوری و مهم کارگران
اخراجی اقتصادی است. ۸ ماه است
دستمزد کارگران اخراجی پرداخت
نشده و کارگران را از نظر اقتصادی در
شرایط بسیار دشواری قرار داده است.

جمهوری اسلامی قصد دارد علاوه بر
پیگرد و اذیت و آزار کارگران، از نظر
اقتصادی نیز چنان آنها را تحت فشار
قرار دهد که کمر آنها را بشکند و آنها
را به تسلیم بکشاند. کارگران شرکت
واحد اما تاکنون سربلندانه ایستاده
اند و علیرغم همه این فشارها متحد

و مصمم به مبارزه خود ادامه
میدهند. سندیکای کارگران شرکت
واحد طی اطلاعیه ای از کلیه
کارگران شرکت واحد و کارگران و
مردم ایران خواسته است که به
صندوق همبستگی مالی کارگران
اخراجی شرکت واحد کمک مالی
شود.

سندیکای کارگران واحد خواسته
است که کمک های مالی یا بصورت
مستقیم با دریافت قبض رسید
معتبر سندیکا پرداخت گردد و یا به
شماره حساب 732280 بانک
ملی ایران شعبه تهران نو کد 134
(قابل واریز در همه شعبات بانک
ملی) به نامهای آقایان ابراهیم

مددی، داود رضوی و ناصر غلامی
واریز شود.
جا دارد همه مردم آزادیخواه و

کارگران اخراجی شرکت واحد همچنان
به تجمعات اعتراضی خود ادامه
میدهند. روزهای شنبه و یکشنبه
۱۸ و ۱۹ شهریور، کارگران اخراجی
واحد که تعدادشان ۵۵ نفر گزارش
میشود برای پیگیری خواستههای
خود، به اداره کار کل استان تهران
مراجعه کردند اما به آنها پاسخی
داده نشد. مسئولین در ادامه سیاست
ضدکارگری خود باز هم وعده دیگری
برای پاسخ گویی به خواست های
کارگران تعیین کردند.

اسامی کارگران اخراجی مناطق ۲۰
گانه شرکت واحد عبارتست از:
منطقه یک:

۱- سعید ترابیان ۲- سید داود
رضوی ۳- منصور حیات غیبی ۴-
غلامرضا فاضلی ۵- ابراهیم
غلامی

۶- حبیب رضا پور ۷- منوچهر
مهدوی تبار ۸- یعقوب سلیمی
منطقه دو:

۱- ابراهیم مددی
منطقه سه:

۱- عبدالرضا طرازی ۲- آیت
جدیدی
منطقه چهار:

۱- منصور اسالو ۲- غلامرضا
میرزایی ۳- غلامرضا خانی ۴-
اصغر مشهدی ۵- وهاب محمد ۶-
حسن دهقان
منطقه پنج:

۱- سید رضا نعمتی پور ۲- محمد
نعمانی پور ۳- حسن سعیدی ۴-
علی بخشی شربانی ۵- هادی
کبیری ۶- امیرقانعی
منطقه شش:

۱- عطا باباخانی ۲- محمود هژبری
۳- سلطانه علی شکاری ۴- علی
اکبر پیر هادی ۵- یوسف مرادی ۶-
داود نوروزی ۷- سید حسن دادخواه

۸- حسین کریمی سبزواری ۹-
مسعود علی بابا نهایندی ۱۰- سید
حسین رخت ۱۱- حبیب شامی
نژاد ۱۲- صادق خندان ۱۳-
غلامرضا خوشمرام ۱۴- امیر
تاخیری ۱۵- مسعود فروغی نژاد

منطقه هفت:

۱- علی زاده حسین ۲- حسین
شهسواری ۳- همایون جا بری ۴-
حسین راد ۵- احمد مرادمند

تلاش برای نجات کبریا رحمانپور از اعدام و زندان

کس خواهان آزادی و حق و حقوق و
یک زندگی انسانی است باید خود را
در کمپین برای آزادی کبریا شریک کند
و فوراً دوست و آشنای خود را جمع
کند و فعالیتی را شروع کند. هر
کارگری باید به وضعیت کبریا
اعتراض کند. کبریا نمونه ای از زنجی
است که اقلیتی مفتخور و دزد و
بیرحم به مردم تحمیل کرده اند. هر
کارگر کمونیست و آگاهی، هر رهبر و
فعال کارگری باید در کمپین نجات
کبریا خود را سهیم کند. هر آژیتاتور و
مبلغ سوسیالیستی باید در میان
کارگران و مردم، خشم و اعتراض
سایر رفقای خود را به موقعیت کبریا
برانگیزد. دهها و صدها کمیته و
جمع و نهاد در دفاع از کبریا باید در
مراکز کارگری و در محلات کارگر
نشین، در دانشگاهها و مدارس، در
هر شهر و محله ای، توسط زنان و
مردان پیشرو تشکیل شود و
تومارهای بزرگی برای نجات او
سازمان داده شود.

مبارزه برای نجات کبریا یک
سنگر مهم آزادیخواهی و عدالت
جوئی است. سنگری است برای یک
حرکت متحد علیه مجازات
غیرانسانی اعدام، علیه فقر و
نابرابری، علیه قوانین متحجر
اسلامی و علیه حکومتی که با
چنگ و دندان از این وضع دفاع
میکند. حزب کمونیست کارگری
همه شما را به حضور در این سنگر و
یک حرکت قدرتمند و توده ای برای
آزادی کبریا فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۱ سپتامبر ۲۰۰۶

۲۰ شهریور ۱۳۸۵

کشور، و اخراج نمایندگان این رژیم
از تمام مراجع بین المللی شویم!

سرتگون یاد جمهوری اسلامی!
آزادی، برابری، حکومت کارگری!
زنده یاد جمهوری سوسیالیستی!

تشکیلات خارج کشور

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۱ شهریور ۱۳۸۵ - ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۶

محبوس میکند و چوبه دار را بالای
سر آنها نگه میدارد تا جامعه را
مرعوب کند. سرنوشت کبریا به همه
ما مربوط است. کبریا را باید از
دستان درآوریم. خشم و کینه علیه
جمهوری اسلامی و قوانینش را باید
به نیروی قدرتمند در دفاع از کبریا و
برای نجات او از اعدام و زندان تبدیل
کنیم. باید حکومت اسلامی را وادار
کنیم رسماً حکم اعدام کبریا را لغو
کند و او را فوراً از زندان آزاد کند.
کبریا خود در نامه ای خطاب به مردم
و هموطنانش خواهان کمک شده
است. به فراخوان او پاسخ دهیم. همه
جا برای آزادی او به حرکت درآئیم و
دست به اقدامی بزنیم. این وظیفه
جنبش آزادی زن است، و وظیفه
کارگران و مراکز و تشکل های
مختلف کارگری است، وظیفه جوانان
و دانشجویان است. وظیفه دانش
آموزان و معلمان است که در دفاع از
کبریا دست به جمع آوری کمک مالی
زدند تا رضایت خانواده مقتول را
جلب کنند. این وظیفه هر کسی است
که انسانیت در او زنده است. جمع ها
و کانونهای دفاع از کبریا را همه جا
سازمان دهیم. اگر میتوانیم تجمع
کنیم، بر در و دیوارها بنویسیم، به
مقامات حکومت نامه بدهیم و
بگوئیم حکم اعدام کبریا باید فوراً لغو
شود، کبریا باید فوراً از زندان آزاد
شود. هرروز هزاران نامه از سراسر
کشور و از سراسر جهان باید روی میز
سران رژیم قرار گیرد.

هر کس از مجازات شنیع و
ضدانسانی اعدام نفرت دارد، هر کس
از بیحقوقی زن رنج میبرد، هر کس
خواهان جامعه ای عادلانه و انسانی
است، هر کس خواهان نابودی فقر و
نابرابری و جامعه طبقاتی است، هر

کبریا رحمانپور را همه میشناسیم.
زنی اسیر زندان های جمهوری
اسلامی با کابوس همیشگی و
هرروزه اعدام. قربانی زن بودن تحت
یک حکومت زن ستیز. یکی از
اعضای خانواده کارگران و
زحمتکشان که شیره جانشان را
طبقات بالا میکیده اند و رهایشان
کرده اند، قربانی فقر و محرومیت و
نابرابری. اما این تمام مساله نیست.
کبریا را امروز میلیونها نفر
میشناسند و با او ابراز همدردی
میکند. و این همدردی گسترده و
وسیع همراه است با نفرت بی پایان
علیه جمهوری اسلامی، نفرت از
نظام و شرایطی که کبریا و کبرها را
به این وضعیت سوق میدهد است،
علیه قوانین ارتجاعی و
جنایتکارانه، نفرت به بیحقوقی زن.
نفرت از اعدام و چوبه دار. نفرت از
رژیم و سران جنایتکار و ضد
انسانش. کبریا در طول ۶ سال زندانی
بودنش، چندین بار پای چوبه دار رفته
است اما هر بار مبارزات مردم در
داخل و خارج به نجات او انجامیده
است. اکنون مجدداً حکم اعدامش را
در دستور گذاشته اند. کمتر از یک
ماه برای نجات کبریا وقت داریم.

کبریا آنتیه تمام نمای شرایطی
است که نظام کثیف سرمایه داری و
حکومت اسلامی حامی آن به سر
اکثریت مردم شریف و زحمتکش
جامعه آورده اند. با شرایطی که به
اکثریت عظیم مردم تحمیل کرده اند
کرور کرور به وضعیت کبریا در می
غلطند، به خدمت کاری گماشته
میشوند، مورد توهین و تحقیر و
تجاوز قرار میگیرند و قربانی
میشوند و این حکومت و نظام
بیرحمش همین قربانیان را میگیرد،

از صفحه ۴ علیه حضور احمدی نژاد ...

سازمان داد. حزب کمونیست
کارگری برای سازماندهی یک
اعتراض گسترده علیه این قاتل
فرزندان مردم اعلام آماده باش
میکند. در هفته آتی در مقابل دفاتر
سازمان ملل در کشورهای مختلف

همه کارگران واحد و کارگران سایر
مراکز کارگری از نظر مالی از
کارگران اخراجی واحد حمایت کنند و
با واریز کردن پول به صندوق آنها

فشار مالی بر آنها را کاهش دهند.
حزب کمونیست کارگری از همه مردم
آزادیخواه در تهران و سراسر کشور
میخواهد که به فراخوان سندیکای

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۱ شهریور ۱۳۸۵، ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۶

گفتگوی رادیو شراره ها با مادر و پدر کبری رحمانپور و مینا احدی

توضیح: این گفتگو را ناصر احمدی پیاده کرده و در اختیار انترناسیونال قرار داده است. با تشکر فراوان از ناصر احمدی، انترناسیونال

سوال: آقای رحمانپور لطفاً بعنوان یک پدر خلاصه‌ای از احساساتان را برای وضعیتی که برای دخترتان خانم کبری رحمانپور پیش آمده به شنوندگان ما بفرمایید.

پدر کبری: احساس یک پدر چی میتواند باشد و قتیکه بچه اش ۷ سال توی زندان و زیر اعدام است. ما به تمام دنیا چنگ زده ایم، فقط خواهش داریم که کمک کنند و این بچه را نجات دهند. آیا با کشته شدن این بچه آن خانواده تسلی پیدا میکنند؟! من نمیدونم! آیا دردی از آنها دوا میشود؟! من نمیدونم! بارها از آنها درخواست کرده ایم گفته اند که عذر خواهی نکرده ایم. چه جور باید عذر خواهی کنیم؟! ما راضی به این امر نبودیم، این مشکل پیش آمده و این بچه گرفتار شده و به بدبختی انداختنش و به وضعی افتاده که ۷ سال توی زندان و زیر اعدام و بلا تکلیف است. حالا احساس یک پدر چه میتواند باشد! درخواست و تمنی دارم که بداد این بچه برسند. من ۵۴ سالم است و عمرم را کرده ام و از من دیگه گذشته.

سوال: شما زمانی که با همسرتان کنار هم می نشینید و جای خالی کبری را می بینید بیشتر چه صحنه هایی از دوران کودکی را بیاد می آورید؟

پدر: برای پدر و مادر از بلو تولد تا آخر خاطره است. توی بیمارستان من ۲ شب بالا سر مادرش بودم تا بالاخره سزارینش کردند و بچه بدنیا آمد. اذان صبح بود و من خوشحال شدم و خدا را شکر کردم اما دیگر فکر چنین بدبختیایی نمیتوانست بذهن بیاید. وقتیکه بیرون پدر و مادران را با بچه هایشان می بینیم آه میکشیم و دلمان میسوزد.

سوال: خانم مینا احدی، اکنون کبری در چه وضعیتی است و چه اقداماتی صورت گرفته؟

مینا احدی: از نظر من وضعیتش خیلی خطرناک است و ما دوباره یکسری اقدامات بین المللی برای نجات کبری تدارک می بینیم. خود کبری قربانی شرایط زندگی و فقر و ناداری و سیستمی بوده که در ایران حاکم شده و ما زندگی و سرنوشت او را بزبانهای مختلف دنیا ترجمه و پخش کرده ایم و و عکسش را در ابعاد هزاران عدد

پخش کرده ایم و نامه های زیادی هم گرفته ایم و الان اسم و عکس او را بسیاری از نهاد ها و دولتهای سراسر دنیا میشناسند بطوریکه فقط در کشورهای اروپایی هزاران نفر طومار اعتراضی برای لغو اعدام کبری را امضا کرده اند. نجات کبری مخصوصاً از این نظر برای ما بسیار مهم است که اسم و عکس خود کبری سمبلی برای مبارزه علیه اعدام شده



است و هیچ دولتی حق ندارد انسانها را اعدام کند و انسانها مخالف این هستند و در سراسر دنیا اعتراض میکنند. الان که میگویند خانواده مقتول باید رضایت دهد. شخصاً با "همسر" قبلی کبری چند بار حرف زدم و همین دیروز هم با او و دوتا از برادرانش که در آمریکا هستند تلفنی صحبت کردیم اما در مجموع همه شان طرفدار اعدامند لذا اکنون راه بسته شده و ما به مردم سراسر دنیا روی کرده ایم و میگوییم که برای نجات کبری فقط ۲۰ روز وقت مانده.

سوال: آیا اگر خانواده مقتول رضایت دهند کار تمام میشود و در غیر اینصورت چه کانهایی برای اقدام وجود دارند؟

مینا احدی: اینکه در چنین اتفاقاتی خانواده مقتول باید تصمیم بگیرد قانون قرون وسطی است که حکومت ایران حاکم کرده. ما فکر می کردیم که برادران مقتول مخالف اعدامند ولی بعد از صحبت دیدیم اینجور نیست. اکنون بنا بر حرفهای حکومت همه راه ها بسته شده و بنظر تنها راه آمدن مردم به خیابان است که اعتراض کنند و بکمک کبری بشتابند. همان دولتی که تو زندان نگه داشته و رها نمیکند با اعتراض مردم آزادش میکند. ما قبلاً هم از این کارها کرده ایم و دیده ایم که زمانی که مردم در سرتاسر دنیا اعتراض میکنند و دولتهای مختلف دنیا اعتراض میکنند و کمیسیونهای بشر و پارلمان اروپا و سازمان ملل اعتراض بکنند حکم را لغو میکنند

و میتواند آزاد شود.

سوال: آقای رحمانپور شما برای آن خانواده که این گفتگو را میشنوند چه پیامی دارید.

پدر: من خواهش میکنم بخاطر انسانیت و بشریت و هر چیزیکه به آن معتقدند از این بچه بگذرند. ما نمیگوییم کار خوبی کرده ولی بخدا قسم برادر اینها این بساط را درست کرد و نامردی کرده که خودشان هم میدانند. یک بچه مدرسه ای بیگناه را توسط آن خاله فریب دادند و قرصهای خواب آور قرصهای مختلف خوراندند و به این بدبختی کشاندند و مصیبتها به اینجا رسید. اصلاً چطور بگویم قابل توصیف نیست که! یک آدمی که قبلاً مأمور ساواک بوده با دروغ و ریا آمد و خود را مهندس کشاورزی جا زد. با خاله اش بچه را فریب دادند، گفت که ما برایت جواز و پاسپورت آمریکا میگیریم و اینطوری مخ بچه را زدند و کبری را فریب دادند و وادارش کردند و تو روی من ایستاد و خودش را به این دام انداخت و گرفتار

در زندان زیر اعدام بوده دیگر چیزی برایش باقی نمی ماند که.

سوال: اگر طبق گفته خانم احدی خانواده آنها رضایت ندهند تنها راه نجات اعتراض کردن به حکومت میماند. آنوقت بنظر شما ماها که خارج از کشوریم چه میتوانیم بکنیم؟

پدر: تقاضا دارم جلوی این حکم داد در مقابل بچه من جبهه گیری کرد، چونکه همان روز اولی که رفته تو دادگاه جلوی ۲۰ نفری که تو اتاقش بودند بمن دری وری گفت و توهین کرد منم جوایش را دادم و گفتم آخه تو که وضع ما را نمیدانی و نمیدانی که چه بلایی سر ما آورده اند چرا پیش مردم دری وری میگوئی و آبرویمان را بیشتر میبری! آخه بی فهم کی بتو گفته قاضی باشی! و این مرد از همانجا بود که در قبال پرونده ما جبهه گیری کرد و کار را به اینجا کشاند. اگر پرونده بچه من را بررسی میکردند و موثقی میگردند میدیدند که واقعا و وجدانا مقصر



نمود. شما اگر با کسی حرفتان بشود و از دماغش خون بیاید سعی میکنید یکجوری سرو ته قضیه را حل کنید و بروید، چطور میشود که یک بچه ای یکی را بکشد و بعد هم خونسرد و راحت بماند. این اگر جنون نباشد و دیوانگی نباشد پس چه میتواند باشد.

سوال: خانم احدی آیا طبق قوانین جمهوری اسلامی باحفاظ قضایی این امکان هست که قاضی دیگری مسئول این پرونده شوند؟

مینا احدی: ابداً. این راهها دیگر بسته هستند و قانوناً هم در آن حکومت چنین امکانی وجود ندارد. بهر حال سیستم قضایی آنجا موضوع دیگری است که در فرصت دیگری میتوان به آن پرداخت. مسئله سر اینست که با وجود نامهای زیادی که گرفته ایم و باوجود اینکه هزاران نفر گفته اند و امضا کرده اند و حتی تو ایران هم به موضوع مهمی تبدیل شده (که از

خود آقای رحمانپور هم میتوانید بپرسید که چطور روزنامه ها در باره اش نوشته اند و چطور مردم از آزادی کبری استقبال میکنند و چطور خانواده کبری تو حلقه محبت مردم زندگی میکنند، میتوان به طور جدی اقدام کرد. مادر و پدر کبری اینرا دیده اند و میتوانند بگویند. اعتراضات خیلی خیلی گسترده ای وجود دارد منتها شاید در مقابل این اعتراضات دارند مقاومت نشان میدهند. من کماکان تاکید میکنم و روی این نکته اصرار میکنم که با توجه به سیستم قضایی و حرفهاییکه زده شد تنها راهی که الان مانده همین است که مردم بیایند به خیابان و بخواهند که کبری فوراً آزاد شود. یعنی اگر جمع شوند و اگر طوماری امضا کنند و اگر نامه ای بنویسند حتماً بگویند که نه تنها نباید کبری را اعدام کرد بلکه باید آزاد شود. او باندازه کافی عذاب کشیده و ۷ سال زندان کشیده لذا اگر یک چنین فشاری ممکن شود فوراً مجبور میشوند عقب نشینی کنند و ناچار میشوند روی قوانینی بگذرانند که خودشان اعلام کرده اند، و ما اینرا بارها دیده ایم. الان تنها راه اینست که در همین ۱۵-۱۰ روز آینده در ایران و در دنیا وسیعاً و متحدانه کارهایی بکنیم که بچشم بیاید تا بخاطر همین کارها و اعتراضات حکومت عقب بنشیند و آزادش کنند.

سوال: خانم احدی آیا این امکان هست که شما یک روزی را مشخص کنید و به همراه پدر و مادر کبری و همسایه و هم محله ای ها و ایرانیانی که وضعیت کبری را شنیده اند بگوش همه برسانید و در یک روز و یک زمان مشخصی حرکت اعتراضی کرد و خواهان آزادی شد؟

مینا احدی: حتماً باید این کار را بکنیم. خود کبری نامه ای نوشته و تقاضا کرده و توی نامه هم همین را گفته که نجاتم دهید چونکه دست او دیگر بجایی بند نیست که از مردم میخواهد که نجاتش دهند و این نامه کم کم روی سایتها میاید و خودش تبلیغی است که مردم خبردار شوند که اوضاع چقدر حساس است. در عین حال باید همت کرد و شکل مناسب را بررسی کرد. مثلاً توی روزنامه ها و رسانه ها بزنند که مردم امضا کنند و یا پدر و مادرش با عکسی در دست در یکجایی بایستند

از صفحه ۶ گفتگوی رادیو شماره ها ...

و فقط بگویند که کبری نباید اعدام شود و مردمی که طرفدار این موضوع هستند میتوانند آنجا جمع شوند. تا آنجاییکه به خارج از کشور برمیگردند تظاهراتی وسیعی را در کشورهای مختلفی سازمان خواهیم داد از جمله تو شهر شما استکهلم و گوتنبرگ، و در شهرهای مختلف آلمان و آمریکا و کانادا و اتریش و سویس سازمان خواهیم داد. در مورد روز هم صحبت میکنیم مثل ۳۰ شهریور و احتمال دارد که همین امشب تصمیم بگیریم و روز را اعلام خواهیم کرد که بطور هماهنگ بیاییم تو خیابان و شب همبستگی با کبری رحمانپور را اعلام کنیم. در عین حال ملاقات و مذاکراتی هم خواهیم داشت با پارلمان اروپا و همانطوریکه گفتیم از همه توان و امکاناتمان در خارج از کشور استفاده خواهیم کرد تا بتوانیم اعتراض وسیعی را سازمان دهیم. در ایران هم مجموعه ای از کارها را باید در دستور گذاشت که شاید یکی از آنها هم همین باشد که پدر و مادر کبری عکسی در دستشان در جایی بایستند و بگویند که کبری باید آزاد شود.

سوال: آقای رحمانپور آیا شما هم حاضر هستید که برای نجات دخترتان در کنار سایریرینی که اعتراض میکنند که صرفاً هم برای نجات جان دختر شماست شرکت کنید؟ البته برای شما خطر جانی ندارد اما بهر حال خودتان بایستی پیشقدم باشید و جلو بیافتید و سایرین را هم تشویق کنید تا پشت سر شما بیایند. در ضمن اگر ممکن است با خانم رحمانپور هم صحبتی داشته باشیم.

پدر: بله مسلم است که حاضریم. من از همه چی میگذرم حتی از جانم هم حاضرم بگذرم.

مادر گری: سلام دارم و ممنونم از شما و تشکر بسیارم دارم.

سوال: منم سلام عرض میکنم. ما خانم مینا احدی را هم با خودمان داریم که همیشه پیگیر وضع کبری بوده اند و در رابطه با مورد های مشابه زیادی هم که کمکهای زیادی کرده اند و تجارب و تأثیرات خوبی داشته اند. شما نخست برای ما بگویید که وقتی یاد دخترتان میافتید چه دورانی از کبری یادتان میافتد؟ میخواستیم احساساتمان را بیسیم.

مادر گری: همیشه بفکرش هستم و همیشه فقط گریه میکنم بیاد بدبختیهایم و بیاد گرفتاریهایم که

آزادی و رهاییش انجام میدهم. من از مردم خارج از کشور در آمریکا میخوام که با این خانواده صحبت کنند. دلم میخواد که دختر مرا ببخشند. به بچه گییش به جوانیش ببخشند. کبری توی خانه مادر و برادرش وضع خیلی بدی داشت و او را به جنون کشیدند. قرصهای خواب به او میدادند و هروقت میامد بیهوش بود. میگفتم علی رضا مگر از شهر ری تا نیاوران چقدر راهست که بچه من بیهوش است میگفت قرص اعصاب میخورد. گفتم کبری که قرص اعصاب نمیخورد. گفت که من برایش گرفتم و او همینطور از دکتری که آشنا بود قرص میگرفت و به بچه من میداد. بچه را قرص خور کرده بودند و بیهوشش کرده بودند و توی خانه اش همه اش کار بود و کار کار کار. یعنی اگر کلفتی توی خانه یکی میگفتی میکرد عزت و احترامش بیشتر از بچه من بود. آخه شما چرا! برادرشان را در آمریکا میشناسم و

مادرشان را میشناسم، ولی تاکید کردند که فقط اعدام کنند. آخر شما که باید بیشتر از ما باز باشید! مثل ما نیستید که در جنوب شهر تهران زندگی میکنیم! خودتان میگفتید که ما بالا شهر نشینیم و فرهنگمان بالاست! آنها که نیاوران بودند گفتند که فرهنگ ما بالاست! شما که تو آمریکا زندگی میکنید! شما که باید بچه مرا درک کنید که برادران ما با او چه کرد.

سوال: خانم رحمانپور اگر برادر های همسر سابق رضایت ندهند بنظر شما مردمی که به این حرفها گوش میکنند و از مصیبتهای شما باخبر میشوند چی فکر میکنند؟

مادر: من نمیدونم مردم چی فکر میکنند، نمیتوانم از طرف آنها حرف بزنم، همیشه میگویند گذشت از بزرگتر است، با هر کس حرف میزنم میگویند کبری جای اولاد آنهاست باید گذشت کنند، میگویند یک اشتباهی بود شده یک اتفاقی بود نمیبایست میافتاد افتاده. من الان ۷ سال است که میروم زنان از شاکیها خیلی گذشت میبینم، اتفاقات و حادثه هاییکه افتاده اغلب رضایت داده اند و آزاد شده اند و رفته اند. منم میگویم شما هم بیایید گذشت کنید، بخدا لذتی که در بخشش است در انتقام نیست، بخدا اگر کبری را اعدام کنند هم خودشان آرامش و آسایش ندارند و هم ما را نابود میکنند بعدش هم بشیمان میشوند که این دختر توی خانواده ما چی

کشید.

سوال: خانم رحمانپور، تو ملاقاتهاییکه داشتید کبری چی میگفت و چه صحبتی میکرد؟

مادر: آخه سه نفر آدم مسن دختر مرا اغفال کردند و مغزشو شستند. میگویند مادر خیلی پشیمانم. ای کاش به حرف تو گوش کرده بودم. ای کاش به حرف شما گوش کرده بودم و با زندگی سخت شما میساختم. من نمیدانستم که اینها که وضعشان خوب بود و بالا شهر نشین بودند اینقدر ما را تحقیر میکنند وگرنه تن به این زندگی نمیدادم. ما خرد شدیم و له شدیم. کبری پشیمان بود ولی چه سود. بخدا درب و داغان شده، پوست و استخوان شده و تمام دندانهای پشتیش پوسیده و بخاطر زیر اعدام و قصاص بودن نمیتواند حتی با خرج خودمون به بیرون بیاید و دندانهایش را پر کنند. بچه من در این ۷ سال از بین رفت، دیگه چیزی برایش باقی نماند!

سوال: همسایه ها و هم محلی ها چی میگویند؟

مادر: تا موقعی که توی محل قدیمی بودیم دلداری میدادند و الان هم همه میگویند خدا بزرگست و امید همه این هست که کبری آزاد شود.

سوال: شما میدانید که خانم مینا احدی هم الان هم پشت خط هستند و صحبت خواهند کرد؟

مادر: بله میشناسمشان. تشکر دارم از ایشان واز سازمان ملل که مال همین خانم احدی دیگه؟ بسیار ممنونم.

سوال: بله خانم احدی که در این رابطه فعالیتهای بسیاری کرده اند و میکنند و حرفهای شما را به گوش نمایندگان اتحادیه اروپا و پارلمان اروپا خواهند رساند. اگر شما آنجا بودید چه میگفتید؟

مادر: من از همه دنیا، از عفو بین الملل که کمک کبری کرده اند تشکر میکنم، از همه شان ممنونم، از خانم مینا احدی بسیار ممنونم که به دختر من کمک کردند، البته از آقای شاهرودی هم بسیار ممنونم که دو بار اعدام کبری را متوقف کرده اند وگرنه کبری سالها پیش رفته بود.

سوال: اما خانم رحمانپور اینرا بدانیم که حکم اعدام همچنان سرچایش است و دو هفته دیگر میتواند اجرا شود. اجازه دهید ببینیم خانم احدی چه پیامی دارند. خانم احدی، اکنون باحفاظ کارهای حقوقی در داخل کشور چه کارهای دیگری مانده که پدر و مادر کبری انجام دهند؟ بغیر از حرکت اعتراضی چه کار دیگری میتوان انجام داد؟

مینا احدی: یک نکته ایکه بهتر است اول بگویم این است که مادر کبری هیچوقت نباید خودش را مقصر بداند. یعنی خانواده کبری چه مادرش و چه پدرش هیچوقت نباید اینجور فکر کنند و بگویند که ما اشتباه کردیم و چرا اینطوری شد! و یا حتی خود کبری، بخاطر اینکه همیشه باید بدانند که زندگی بسیار سخت و پرهزحمتی را اداره میکردند. تازه مادر کبری یک پسر معلولی هم در خانه داشته و تمام مدت زحمت کشیده و پدرش هم برای چرخاندن زندگی تمام مدت کار کرده اند. لذا باید متوجه شد که با توجه به شرایط فوق العاده سختی که در زندگیشان پیدا شده دیگر درست نیست که بار عذاب وجدان هم روی سرشان باشد. چونکه اگر آدم فرصت داشته باشد که دقیق صحبت کند میبیند که مادر و پدر کبری و خود کبری هیچ تقصیری نداشته اند. بلکه آن شرایط زندگی سخت مقصر است. پدرش با زحمت زیاد و دستمزد کم و فشارهای مختلف و انواع قوانین سختی که در آن مملکت وجود دارد از صبح تا شب رفته کار کرده، و خود کبری هم درس خوانده است. ما که تماس داریم با معلمین قبلی اش و پرونده را با ابعاد مختلفش پیگیری میکنیم میبینیم که درش هم خیلی خوب بوده و در محیط مدرسه همه از کبری راضی بودند و خیلی هم دختر دوست داشتنی بوده و هدف رفتن به دانشگاه هم داشته و خیلی هم زحمت میکشیده است. ولی زمانیکه دیگر شرایط زندگی اجازه نداده پدرش چکار میتوانست بکند بجز اینکه روزی ۱۲ ساعت کار کند. هنوزم با این سن و سال میرود سرکار و بجز این دیگر چکار میتوانست بکند؟ درآمدش کم بوده و شرایط زندگی اینطور است که فرزندانیکه در خانواده های کارگری متولد میشوند دیگر شرایط رفتن به دانشگاه را نمیایند چراکه درآمدشان کفایت اینرا ندارد. همه اینها مشکلاتی است که به آن جامعه و شرایط زندگی و آن سیستم برمیگردد. میخوام اینرا بگویم که دیگر مادر کبری توی این شرایط فوق العاده سخت یک فشار دیگری هم روی سرشان نگذارند.

همیشه باید برگشت و نگاه کرد و دید که چه شرایط و مشکلات و اوضاع سختی بوده که چنین شد! ما در مورد کبری رحمانپور در سطح بین المللی خیلی تبلیغات کرده ایم و همیشه گفته ایم که فقر و نداری،

جوانمیر مرادی، رئیس انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه باید فوراً آزاد شود

روز سه شنبه ۲۱ شهریور مامورین نیروی انتظامی اداره اماکن عمومی کرمانشاه با مراجعه به منزل جوانمیر مرادی رئیس انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، از او خواستند روز چهارشنبه ۲۲ شهریور خود را به این اداره معرفی کند.

دستگیری و اذیت و آزار فعالین کارگری يك سياست هميشگی جمهوری اسلامی برای مرعوب کردن کارگران و مردم و برای مقابله با اعتراضات رو به رشد کارگری است و باید به عنوان يك مساله مهم با عکس العمل فوری و گسترده کارگران و مردم در سراسر کشور مواجه شود. میتوان و باید سیاست بازداشت، بازجویی و تهدید کارگران را در هم شکست.

حزب کمونیست کارگری کارگران پتروشیمی کرمانشاه، انجمن صنفی برق و فلزکار این شهر و همه کارگران و مردم آزادیخواه کرمانشاه و سایر مراکز کارگری در سراسر کشور را به اقدام فوری اعتراضی و گسترده علیه دستگیری جوانمیر مرادی فرامیخواند. حزب از سازمانهای کارگری در سراسر جهان میخواهد که جمهوری اسلامی را محکوم کنند و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط جوانمیر مرادی شوند.

جوانمیر مرادی
باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شود
آزادی اعتصاب و تشکل حق بی چون و چرای کارگران است
زنده باد همسنگی کارگری
آزادی، برابری، حکومت کارگری
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲ شهریور ۱۳۸۵، ۱۳ سپتامبر ۲۰۰۶

نامه کبرا رحمانپور به مردم نجاتم دهید! من از مرگ و طناب دار وحشت دارم

من يك انسان از تبار شما هستم. نمیخواهم بمیرم. اما الان جسم بی روحی هستم که ترس طناب دار، خنده و شادی را از یادم برده است. خلیها به من میگویند که تو اینهمه معروف هستی، هنوز در زندان هستی؟ از زندان سختتر به همه آنها بگویند من دوباره در يك قدمی مرگ ایستاده ام. من مثل همه شما از مردن میترسم. کمک کنید تا این آخرین نامه من نباشد.

پدر و مادر عزیزم و برادر معلولم که خیلی نگران من هستند، همیشه دلشان به حمایتهای شما گرم بوده است. من خیلی وقتها با خودم فکر میکنم، کاش زندگیم طور دیگری پیش میرفت. کاش میتوانستم، درسهای پیش دانشگاهی را تمام کنم. کاش مجبور نمیشدم کار کنم و به مستخدمی خانواده شوهرم در بیایم. کاش به حد جنون نرسیده بودم. ولی من خیلی عذاب کشیدم و خیلی

من يك انسان از تبار شما هستم. من واقعا قربانی هستم. الان همین قربانی را میبرند تا با طناب دار اعدام کنند. این سرنوشت لایق من نبوده و نیست. من در این روزهای وحشت و ترس، دوباره دست یاری به سوی شما دراز میکنم. از همه مطبوعات و رسانه ها و همه مردمی که از من حمایت کرده و گفته اند کبرا نباید اعدام شود تشکر میکنم. اینبار شاید برای آخرین بار میخواهم، آخرین اقدامات لازم را بکنید تا واقعا اعدام نشوم و شاید آزاد شوم. من آزادی را دوست دارم. در رویاهایم به آزاد شدن و زندگی خوب بعد از آن فکر میکنم. من به اندازه کافی رنج کشیده ام، کمک کنید تا کابوس وحشتناکی که خیلی وقتها در خواب دیده و از ترس جیغ زده و از خواب پریده ام، عملی نشود. کمک کنید از مرگ نجات یابم. هر چه میتوانید بکنید، وقت تنگ است و روزها از پی هم سپری میشود و هر تیک تیک ساعت، برای

بی حقوقی و ستم در آن جامعه زندگی کبری را به اینجا رسانده و زمانی هم که میروید خانه دیگری زندگی کند باز آنجا هم قوانین مردسالار است و اینکه نمیتواند به کسی و جایی متوسل بشود و بگوید که از طرف مردیکه از پدرش هم بزرگتره کتک میخورد و مورد آزار قرار میگیرد. کسی نیست که به دادش برسد. میخواهم بگویم که اینها مشکلات اجتماعی هستند و مادر کبری حتماً باید توجه کند و مدعی باشد و کمتر به خودش فشار بیاورد. الان با توجه به تمام این اتفاقاتیکه افتاده، و اینکه چند سال است که پرونده کبری را دنبال میکنیم، دلم میخواهد مادرش یکبار دیگر بداند که در سطح دنیا کبری رحمانپور يك چهره شناخته شده و يك چهره محبوب در سطح بین المللی است. کبری در عین حال يك سمبل است و مردم در تمام دنیا، میلیونها نفر میشناسند و مخالف اعدامش هستند.

باتوجه به مجموعه اوضاع و شرایطی که در ایران وجود دارد، با توجه به اینکه الان همه راه ها رسیده به اینکه خانواده مقتول رضایت دهد و آنها هم که حرفهای خودشان را دارند و میگویند که در مطبوعات علیه ما خیلی حرف زده اند و در عین حال میگویند که کبری میبایست معذرت خواهی میکرد و ما هم با آنها بحث میکردیم و جواب میدادیم و با این وجود در مجموع مخالفند و میخواهند که این حکم اجرا شود، تنها يك راه میماند. وقتیکه اوضاع اینطور من فکر میکنم که اینرا دیگر باید بگذاریم کنار چون دیگر وقتی نداریم با این خانواده جر و بحث کنیم. چهار سالست که ما داریم اینکار را میکنیم. من فکر میکنم اساس مسئله روی حکومت است و اساس فشار را هم باید روی حکومت گذاشت. قبلا هم گفتم همان حکومتی که کبری را زندانی کرده و نگه داشته زیر فشار اعتراض همان حکومت مجبور میشود و در را باز میکند و آزادش میکند. ما قبلا هم این موارد را داشتیم و الان هم همینکار را باید کرد. الان بنظر من تنها راه همین است. از مردم باید خواست که بیایند به میدان. بیایند و کمک کنند چه توی ایران و چه در سطح بین المللی. تو

من صدای نزدیک شدن طناب دار است. لطفا کمک کنید! من از مرگ و طناب دار وحشت دارم. من از طناب دار و جرثقیل نفرت دارم. من میخواهم زنده بمانم. تمام راههای

ایران فکر میکنم مردم میتوانند یکبار دیگر طومار امضا کنند و اساساً نه تنها در تهران که توی شهرستانها و هرجا که میتوانند در یکجایی جمع شوند و یکروز را که خودشان مناسب میدانند و یا خانواده کبری مناسب میدانند جمع شوند و با عکس کبری بگویند که کبری باید از زندان آزاد شود و نباید اعدام شود. ما هم در سطح بین المللی کارهای خودمان را میکنیم و امیدوارم که کبری هرچه سریعتر آزاد بشود.

مادر کبری: انشاءالله. ممنونم.
سوال: خانم/احدی شما میدانید که بهرحال با توجه به فعالیتهاییکه شما داشتید و دارید در خارج از کشور بالاخص در کمیته اقدام علیه اعدام که کمیته شناخته شده ای است، در سازمانهای دفاع از حقوق بشر و در سطح سازمان ملل شناخته شده است و ارگانهای دیگر اتحادیه اروپا و امثالهم، در کنارش خوانندگانی هستند که تحت تاثیر شرایط و این فعالیتهای آنها هم بسهم خودشان دارند صدای کبری ها را از طریق هنر خودشان بگوش مردم میرسانند و خواهان برجسته شدن این قوانین هستند. در کنار این خواننده ها کسانی مثل خانم رامش که علیه سنگسار خوانده و آقای داریوش و آقای ای و شهریار قنبری و سیاوش قمیشی هستند. آیا فکر میکنید که خانم رحمانپور پیامی داشته باشند برای اینها. اینها بعنوان هنرمندان متعهد بایستی که در کنار این حرکت اعتراضی بنوعی همدردیشان را نشان دهند و در کنار کبری و پدر مادر کبری و این کمپین که شما راه انداخته اید قرار بگیرند؟ آیا فکر میکنید که مثبت باشد که چنین پیامی داده شود؟

مینا احدی: خیلی بنظر من مثبت است. شاید مادر کبری خبر نداشته باشند که ما در سطح بین المللی شب همبستگی با کبری رحمانپور اعلام کردیم و عکس کبری را بزرگ کردیم و در قاب عکس بزرگ بردیم تو مراکز شهرها و آنجا ایستادیم و تظاهراتهای مختلف سازمان دادیم. میخواهم بگویم اسم کبری شناخته شده است، برای همین هنرمندانی هم که شما

دیگر به روی من بسته است. کسی به داد من نمیرسد. تنها امیدم به مردم و همونعانه است. دلم میخواهم پدر و مادرم را بغل کنم.

در پایان از زحمات خانواده ام و

از صفحه ۷ گفتگوی رادیو شراره ها ...

میگویند. من برای خودم مثلاً جالب بود که وقتی میروم مثلاً پارلمان اروپا و اسم کبری رحمانپور را میگویم، فلان نماینده پارلمان که از کشور بلژیک است اسمش را شنیده است. آخر اسمهای فارسی هم خیلی سختند ولی اسمش برایشان آشناست و عکسش برای آشناست و بخصوص عکسش برای خلیها آشناست. ما توی مرکز شهر کلن که یکبار میز اطلاعاتی بود، يك کسیکه از سازمان عفو بین الملل آمد و عکس را که دید گفت من میشناسم و سرگزشتت را هم میدانم. اینها همه اش نمونه های تیبیکتی را نشان میدهند. کبری الان خیلی تو دنیا معروف است و خیلی مردم میخواهند کمکش کنند. بنابراین من الان از همین فرصت استفاده میکنم و از همه هنرمندانی که شما اسم بردید خواهش اینست که شب همبستگی سازمان بدهند. میتوانند مردم را دعوت کنند و جمعیت زیادی میتوانند بیایند آنجا و امضا کنند و میتوانند برای همان جمعیت بخوانند و پول جمع کنند و به این کمپین کمک مالی کنند. ما در این فعالیت به هر نیرویی احتیاج داریم. خود من دو هفته آینده تمام وقت روی کیس کبری من فکر میکنم که ما با امکاناتی که داریم، کمیته بین المللی علیه اعدام با توجه به آشناییهایی که در سطح بین المللی دارد میتواند این حرکت را سازمان بدهد و از همگان دعوت میکند که در این حرکت بما کمک کنند تا هم بتوانیم کبری را نجات دهیم و يك جنبش علیه اعدام راه بیاندازیم.

واپس: خانم رحمانپور همانطور که شنیدید خانم/احدی گفتند چه کارهایی میتوان کرد.

مادر کبری: من از ایشان ممنونم، از همه مخصوصاً از خانم احدی و همین خوانندگانی که معرفی کردند و از مردم دنیا و از همه دنیا ممنونم، تشکر میکنم، از روزنامه های ایران و از همه تشکر دارم که در این راه ما را یاری کردند. از همه تشکر دارم.

توضیح: به خاطر تراکم مطلب و کمبود جا ناگزیر فقط بخشی از این گفتگو در این شماره چاپ شده است. انترناسیونال

همه کسانی که برای نجات من تلاش میکنند متشکرم.

کبرا رحمانپور از زندان اوین
شهریور ۱۳۸۵